

مطالعه و تبیین وضعیت کنونی، روند تمایلات و گرایشهای رفتاری دانشجویان دختر به حجاب اسلامی

امین فتحی¹
جعفر نامور²

چکیده

هدف: بررسی و شناخت وضعیت فعلی علایق، میزان آگاهی و پایبندی دانشجویان دختر به حجاب اسلامی و دلایل استفاده از پوششهای نامناسب در جامعه هدف این نوشتار بوده است. **روش:** کاربردی و توصیفی از نوع مقایسه‌ای و همبستگی است. جامعه آماری، دانشجویان دختر مقطع کارشناسی دانشگاه محقق اردبیلی در سال تحصیلی 95-1394 بودند. **یافته‌ها:** از نگاه دانشجویان، وضعیت پوشش در جامعه و سطح دانشگاه نامناسب بوده، وجود قانون معقول و نظارت لازم است. پوشش مناسب باعث امنیت روانی شده و نامناسب بودن آن بیشتر به دلیل تقلید و خلأهای عاطفی است. پوشش نامناسب، امری شخصی است، ولی همه اعتقاد ندارند که پوشش نامناسب به خاطر اعتراض به ساختار جامعه و مذهب است؛ در حالی که دلیل آن بیشتر، تفاوت نسلها و اعتراض نسبت به خانواده و وضعیت موجود آن است. **نتیجه:** علاقه نداشتن به حجاب اسلامی بیشتر ناشی از ناآگاهی به ارزشهای دینی و وضعیت نامطلوب خانواده‌ها در جایگاه تربیتی بوده و جوانان به تبیین و اقناع بیشتری در امر پوشش نیاز دارند. منفی شدن نگرش به چادر با افزایش ترم تحصیلی، از تأثیرگذاری منفی محیطهای علمی حکایت دارد و با این حال، نامناسب دیدن وضعیت پوشش جامعه در عین رضایتمندی از حجاب خود، بر نسبی دیدن پوششها دلالت می‌کند که به تعمق بیشتری نیاز دارد.

واژگان کلیدی: حجاب، دانشگاه، دانشجویان دانشگاه.

◇ دریافت مقاله: 95/01/16؛ تصویب نهایی: 95/09/10.

1. دکترای قرآن و حدیث، استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه محقق اردبیلی (نویسنده مسئول) / نشانی: اردبیل؛ انتهای خیابان دانشگاه، دانشگاه محقق اردبیلی، گروه معارف اسلامی. صندوق پستی: 179 / نمابر: 04531505235 / Email: fathi@uma.ac.ir
2. دانشجوی دکتری معارف اسلامی - مدرسی اخلاق اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی.

الف) مقدمه

حجاب به عنوان پوشش یا نوع رفتار انسانی، فراز و نشیبهای فراوانی در طول تاریخ داشته است. همه جوامع به خاطر کارکردهای مختلف ارتباطی و دینی، برای پوشش و آرایش، مقررات و قواعد اخلاقی - رفتاری وضع کرده‌اند. از دیدگاه بسیاری از اندیشمندان، تمایل به حفظ پوشش برای زنان، امری درونی و فطری بوده (علیردی، 1389) و در ادیان الهی، نوع پوشش زن به واسطه مصونیت از تعرضات و هتک حرمت نسبت به او و کیان خانواده، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. (زاهدو کاوه، 1391) اما چرا با وجود همه تأکیدات مذهبی - فرهنگی، عده‌ای از زنان و دختران که در معرض مشکلات ناشی از کجروی از هنجارهای جامعه‌اند، از این نیاز درونی خود سر باز زده و رویگردانند؟ چرا پوششهای سنتی و اسلامی آنچنان که شایسته است، مورد اقبال دختران جوان به خصوص در محیط‌های علمی و دانشگاهی قرار نمی‌گیرد؟ «هواپرستی، کسب موقعیت، ضعف ایمان و حیا، فقر فرهنگ دینی، دگرآزاری، ارضای تمایلات، کسب محبوبیت عمومی» (کاوه، 1391)، تقلید از هموعان، غرزدگی، زیبایی‌طلبی، ازدواج، تفاخر و خودنمایی‌های مالی، تبلیغات استعماری، ملامت دیگران، مدگرایی و تنوع‌طلبی افراطی، عدم توجه نسل جدید نسبت به مسئله عفاف و حجاب، با ادبیات مخصوص آنها و شکل‌گیری فرهنگ غیر رسمی متأثر از برنامه‌های ماهواره‌ای «ارک: قیصری، 1393) و غیره، از دلایلی است که صاحب‌نظران مطرح کرده‌اند.

از نگاه جامعه‌شناسی، فردگرایی و جمع‌گرایی با عنوان سندرم یا مشخصه فرهنگی یاد شده و آن را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «مشخصه فرهنگی، به الگوهای معنایی گفته می‌شود که مشترک بین افرادی است که دارای لهجه زبانی مشترک بوده و در حیطه جغرافیایی مشترک و در خلال فرایند زمانی ویژه زندگی می‌کنند (مدتی، 1370). تشخص گروهی نیز، مستلزم اشتراک در مسائلی مانند زبان، علایق، سلیقه‌ها، پوشش، نوع تغذیه، تحصیل، افکار و عقاید و رفتارهای جمعی مشترک است. لذا گرایش یا عدم گرایش به نوع خاصی از حجاب، ناشی از نوع تشخص گروهی است که در جامعه وجود دارد، و عمدتاً تحت تأثیر ساخت جامعه، نهادها و ارزشهای آن می‌باشد (مجبی، 1380). حجاب و بدحجابی نه یک امر فردی، بلکه امری اجتماعی است. از همین نظر، رفتار هر فرد، ناشی از کنش و واکنشهای درون‌گروهی و میراثی است که از سنتهای جامعه به فرد رسیده

اعضای یک جامعه تحت تأثیر بزرگ‌ترها، اجتماعی¹ و باز اجتماعی² می‌شوند. (نوسلی، 1371)، بدیهی است رعایت حجاب و انتخاب نوع آرایش افراد نیز تابعی از کنش و واکنشها و وجدان جمعی³ حاکم بر هر

1. Socialized
2. Re-Socialized
3. Social Consensus

مطالعه و تبیین وضعیت کنونی، روند تمایلات و گرایشهای رفتاری دانشجویان ... 95

جامعه است و چون هیچ پدیده اجتماعی در خلأ شکل نمی‌گیرد، می‌توان نتیجه گرفت که دختران تحصیل کرده نیز تحت تأثیر عوامل متعددی از پوشش مذهبی و سنتی خود گریزانند. مشکلات پوشش سنتی در جوامع مدرن، کمی دامنه توجه والدین و خانواده‌ها نسبت به رعایت کامل حجاب، عدم قاطعیت در قانونگذاری یا صراحت قانون و ابزارهای رسمی برای کنترل حجاب، کم‌رنگ شدن امر به معروف و نهی از منکر و توصیه‌های اخلاقی به جوانان و رشد روحیه بی‌تفاوتی به احکام دینی در بین جوانان و گروه همسالان، رواج اندیشه‌های فمینیستی، دسترسی آسان و ارزان بیشتر لباسهای غیر منطبق با هنجارهای اجتماعی موجود در بازار و کمبود البسه متناسب، به روز، زیبا و اصیل در بازار، اجبارهای عرفی هموایی در رنگ، جنس و مدل لباس با دیگر زنان، ترویج، ترجیح و تأیید بیشتر پوششهای نابهنجار در محافل خصوصی و جشنهای خانوادگی، رضایتمندی یا نارضایتی از دولت، نگرش مثبت یا منفی به شعارهای حجاب در مجامع رسمی و خوشبینی یا بدبینی نسبت به عملکرد دولتمردان، وضعیت معیشتی خانواده‌ها و تأثیرات سایر عوامل اقتصادی و به طور خلاصه: «تغییرات ساختاری در عرصه اقتصادی و تغییرات ارزشی در عرصه فرهنگی و تغییرات سریع ارتباطات در عرصه جهانی شدن، احتمالاً نقش عمده‌ای در اختلالات هنجاری پوشش زنان در جامعه مذهبی ایران داشته است؛ به گونه‌ای که وفاق اجتماعی و انسجام اجتماعی جامعه را تحت الشعاع قرار داده است. در واقع؛ مسئله حجاب و پوشش در جامعه، در وضعیت فقدان یا کمبود وفاق ارزشی و انسجام اجتماعی رخ می‌دهد» (مجویی منش، 1386)

از نگاه روان‌شناسی، انسان در دوره بلوغ با بحرانهای عاطفی، احساسی و روانی مواجه می‌شود. طبیعتاً میل به خودنمایی و جلب نظر دیگران، در بین نوجوانان شایع می‌شود. بدیهی است در این دوره سنی، از هر وسیله‌ای برای جلب توجه استفاده می‌شود. چنانچه راهها و فرصتهای جلب نظر سالم، کم و ناکارآمد باشد و در مقابل، راهها و فرصتهای ناسالم، زیاد و در دسترس باشد، جذابیت الگوهای سنتی از بین رفته و تمایل به الگوهای غربی که با سلايق و علايق این دوره سنی هماهنگی بیشتر دارد، افزایش می‌یابد.

از نگاه سیاسی، لباس مردم هر کشور، یک نماد و نشانه ملی است. لذا پوشیدگی و برهنگی نیز نیاز به قوانین خاص خود را دارد. انقلاب اسلامی ایران منشأ تغییرات مختلفی در ارکان سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه از جمله تغییر نگرش مردم به پوشش و علاقه به حجاب اسلامی بوده است. البته پوشش در ایران، در همه شرایط اجتماعی به عنوان یک مسئله مهم اجتماعی مطرح نبوده، بلکه در برخی از شرایط و موقعیتهای اجتماعی با حساسیت بیشتری پیگیری شده است.

(ب) بیان مسئله

امروزه برخی از خانواده‌ها و گروه‌های اجتماعی که باورهای دینی و اخلاقی عمیق‌تری دارند، مقابله با مظاهر فساد و بی‌بندوباری، از جمله بدحجابی را که از جمله اختیارات و وظایف دولتمردان و امری قانونی و رسمی است، از مسئولان مطالبه می‌کنند. «از آنجا که اختلال در حجاب و طرز پوشش، مغایر با ارزشهای محوری جامعه مذهبی است، موجب جریحه‌دار شدن وجدان جمعی جامعه می‌شود. لذا به عنوان یک مسئله اجتماعی، ضروری است مورد شناخت علمی قرار گیرد» (مجویی‌منش، 1386)

هر محیط اجتماعی از جمله دانشگاه، خرده‌فرهنگ خاص خود را تولید می‌کند. هر چند محیط‌های علمی با فرهنگ کلان جامعه در ارتباط بوده و از آن منفک نیستند، اما برخی از عوامل آموزشی و محیطی بر رفتار دانشجویان تأثیرگذار است؛ از جمله: نوع دانشگاه، عضویت و شرکت در نهادها، تشکلهای و برنامه‌های دانشجویی، رشته تحصیلی، میزان علاقه به درس و نیز علاقه‌مندی به مباحث اسلامی، ارتباط صمیمانه با مدرسین دروس معارف اسلامی و محبوبیت اساتید و ارتباط با آنها، چشم‌پوشی مسئولان دانشگاهی نسبت به بدحجابی‌ها و عدم پیگرد قانونی خاطیان و غیره. آنچه در این تحقیق مورد نظر است و آن را از پژوهشهای مشابه قبلی متمایز می‌کند، یکی گذشت زمان است که طبیعی است نوع نگاه، ذائقه و علایق جوانان به اقتضای زمان تغییر می‌کند و نیاز به سنجش جدید است و دیگری اینکه، نوع سؤالات و اهداف اغلب تحقیقات به دنبال شناخت علاقه دانشجویان به الگوی آرایشی - پوششی و توصیف، طبقه‌بندی و مقایسه وضعیت فعلی حجاب دانشجویان و مقایسه آن در رشته‌ها و دانشگاههای مختلف بوده است؛ در صورتی که در این پژوهش، در پی شناخت وضعیت فعلی پوشش دانشجویان دختر، میزان گرایش به حجاب اسلامی و عوامل و موانع سمت و سوی علایق و سلايق دانشجویان بوده‌ایم.

با در نظر گرفتن اینکه دانشجویان دختر و اساتید زن و حتی مردان دانشگاهی به عنوان گروه‌های مرجع و مورد احترام جامعه، نقش زیادی در الگوآفرینی برای مردم دارند و یکی از مهم‌ترین راههای نفوذ در دانشگاهها برای جلوگیری از رشد جامعه علمی کشور و دیگر مقاصد سیاسی و اجتماعی، تبلیغ و ترویج فرهنگ غربی و بدحجابی در دانشگاههاست، لذا ضرورت‌های کاربردی این تحقیق برای متولیان امور فرهنگی دانشگاهها و نیز برای مسئولان و متولیان فرهنگی دیگر دستگاههای اجرایی مطرح است.

(ج) سؤالات و هدف تحقیق

هدف تحقیق، بررسی و شناخت وضعیت فعلی، علایق و میزان پابندی دانشجویان دختر به حجاب اسلامی و پاسخگویی به دلایل افول و موانع آن با وجود اقدامات فرهنگی - اجتماعی و شناخت مناسب‌ترین راهکارهای ترغیب دانشجویان به حجاب اسلامی است. این هدف کلی، از طریق اهداف جزئی و سؤالات

مطالعه و تبیین وضعیت کنونی، روند تمایلات و گرایشهای رفتاری دانشجویان ... ♦ 97

ذیل به دست می‌آید: بررسی رابطهٔ ویژگی‌های جمعیت‌شناختی از قبیل سن، معدل، تحصیلات، وضعیت اقتصادی با پوشش، میزان رضایتمندی از پوشش، عوامل مؤثر بر انتخاب نوع و نحوهٔ پوشش، دلایل پوشش و آرایش نامناسب، نقش حجاب در امنیت روانی دانشجویان دختر، نحوهٔ نظارت بر نوع پوشش و وجود قانون مناسب و معقولانه در این زمینه. شناخت میزان آگاهی دانشجویان رشته‌های مختلف از حدود شرعی حجاب و نقش دروس و استادان معارف اسلامی و مباحث دینی در کلاسهای درسی.

چارچوب اصلی مطالعه در این تحقیق، بر مبنای مکتب ساختگرا- کارکردگرایی¹ است؛ (کاظمی، 1393)، زیرا حجاب باید به صورت یک مقولهٔ کلان اجتماعی مطالعه شود و نمی‌توان آن را با یک یا چند عامل مستقل مطالعه و تبیین کرد بدون آنکه به ساختارهای موجود جامعه و عوامل تأثیرگذار بر آن بی‌تفاوت بود. جامعه به عنوان یک موجود زنده دارای اجزای گوناگون با وظایف و کارکردهای مختلف است که در شرایط بحرانی در جهت حفظ یکپارچگی² خود اقدام به پذیرش برخی تغییرات جزئی می‌کند. از دیدگاه همین نظریه، در صورتی که یک رفتار در جامعه به صورتی پایدار از نسلی به نسل دیگر انتقال یابد، به یک هنجار اجتماعی تبدیل می‌شود. با این حال، نهادهای اجتماعی اگر درست و بجا عمل کنند، معمولاً قادر به هدایت مناسب رفتارها و حفاظت از ارزشها و هنجارهای اجتماعی خواهند بود.

(د) پیشینهٔ تحقیق

در زمینهٔ گرایش به حجاب اسلامی، کار جدی ملی، انجام سنجش ارزشها و نگرشهای دینی ایرانیان توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سالهای 1382 به بعد بوده است. تحقیق دیگری نیز در معاونت فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی در سال 1381 انجام گرفته، اما جدی‌ترین تحقیق مربوط به نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاههاست که در سالهای 1384 و 1387 با هدف شناخت گرایش دانشجویان دختر به حجاب اسلامی و علاقهٔ آنها به 36 الگوی آرایشی- پوششی، توصیف، طبقه‌بندی و مقایسهٔ وضعیت فعلی حجاب دانشجویان، میزان تغییرات آن پس از ورود به دانشگاه و مقایسهٔ آن در رشته‌ها و دانشگاههای مختلف، شناخت میزان اثربخشی شیوه‌های ترغیب و نظارت درون‌دانشگاهی و برون‌دانشگاهی بر حجاب انجام شده است.

1. Structural- Functional
2. Integration

ه) روش پژوهش

روش این تحقیق، از نظر هدف، کاربردی است؛ زیرا نتیجه پژوهش در جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و معارف اسلامی و امور مرتبط با بانوان قابل استفاده است. همچنین توصیفی است؛ زیرا هیچ دستکاری در آن صورت نمی‌گیرد. از آنجا این پژوهش به مقایسه افراد چادری، مانتویی و هم چادری و هم مانتویی در زمینه نگرش نسبت به حجاب و همچنین به مقایسه متغیرهای پژوهش در سه گروه اقتصادی می‌پردازد، از نوع مقایسه‌ای است و از آنجا که می‌خواهد رابطه بین ترم تحصیلی و سن با مؤلفه‌های نگرش نسبت به حجاب را بسنجد، از نوع همبستگی است.

جامعه آماری پژوهش را کلیه دانشجویان دختر مقطع کارشناسی دانشگاه محقق اردبیلی که در سال تحصیلی 95-1394 مشغول به تحصیل بودند، تشکیل دادند. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای استفاده شد؛ بدین نحو که از میان دانشکده‌های دانشگاه، پنج دانشکده انتخاب و از هر دانشکده به طور تصادفی سه رشته انتخاب شد و در نهایت، 400 نفر به عنوان گروه نمونه انتخاب شدند.

در این پژوهش مؤلفه‌های نگرش نسبت به حجاب به عنوان متغیر وابسته و گروه‌های اقتصادی (وضعیت اقتصادی خوب، متوسط، ضعیف)، وضعیت پوشش (مانتویی، چادری، هم مانتویی و هم چادری) و تأهل (متأهل و مجرد) به عنوان متغیر مستقل بودند. همچنین ترم تحصیلی به عنوان متغیر پیش‌بین و مؤلفه‌های نگرش نسبت به حجاب به عنوان متغیر ملاک بررسی شدند.

در این تحقیق از پرسشنامه نگرش نسبت به حجاب استفاده شد. این پرسشنامه را محقق با استفاده از نظر کارشناسان مربوط تهیه کرد؛ بدین نحو که از کارشناسان خواسته شد تا نگرش نسبت به حجاب را تعریف کرده، برای آن پرسشهایی تهیه کنند. در نهایت، 83 سؤال مورد استفاده قرار گرفت. سپس این پرسشها را در گروه نمونه مورد بررسی قرار داده و بعد از حذف سؤالاتی که همبستگی پایینی با مؤلفه مربوطه داشتند، 72 سؤال برای اجرا باقی ماند که 12 حیطه: پوشش نامناسب به دلیل تقلید، پوشش مناسب به دلیل اجبار، پوشش مناسب همراه با آگاهی، پوشش نامناسب و خلأ عاطفی، پوشش نامناسب و اعتراض، شخصی بودن پوشش نامناسب، امنیت روانی و پوشش، وضعیت کنونی حجاب جامعه و دانشگاه و وجود نظارت بر حجاب را بررسی می‌کنند.

برای بررسی پایایی این مقیاس نیز از روش همسانی درونی؛ یعنی آلفای کرونباخ و همبسته کردن هر سؤال با نمره کل هر مؤلفه استفاده شد، که به معنادار بودن داده‌ها دلالت داشت.

مطالعه و تبیین وضعیت کنونی، روند تمایلات و گرایشهای رفتاری دانشجویان ... ♦ 99

جدول 1: ضریب پایایی زیرمقیاسهای نگرش نسبت به حجاب به روش آلفای کرونباخ

آلفای کرونباخ	تعداد آیتم	زیرمقیاسها
0/81	7	پوشش نامناسب به دلیل تقلید
0/75	6	پوشش مناسب به خاطر اجبار
0/77	3	پوشش مناسب و تحقیق
0/90	11	پوشش نامناسب و خلأ عاطفی
0/79	7	پوشش نامناسب و اعتراض
0/76	8	نامناسب بودن پوشش و شخصی بودن
0/85	6	امنیت روانی و پوشش
0/70	5	وضعیت حجاب کنونی جامعه
0/90	5	وضعیت حجاب کنونی دانشگاه
0/87	6	وجود نظارت بر حجاب
0/60	4	پژوهش شخصی درباره حجاب
0/73	4	نگرش نسبت به چادر

ضریب پایایی به دست آمده زیرمقیاسهای نگرش نسبت به حجاب به روش آلفای کرونباخ برای تمامی مؤلفه‌ها در دامنه 0/60 تا 90 است که نشان می‌دهد تمامی مؤلفه‌ها از ضریب پایایی مناسب و رضایت‌بخشی برخوردارند. برای بررسی روایی این مقیاس، از روایی محتوایی استفاده شد؛ بدین نحو که از چهار متخصص روان‌سنجی و معارف اسلامی در این زمینه نظرخواهی شد که همگی بیان کردند این مقیاس از روایی محتوایی مناسبی برخوردار است. همچنین در این تحقیق از روشهای آماری ذیل برای تحلیل داده‌ها استفاده شده است:

- استفاده از روشهای آمار توصیفی؛ مانند میانگین، انحراف معیار، بیشینه و کمینه نمرات.
- استفاده از روشهای آمار استنباطی؛ مانند، ضریب همبستگی پیرسون، اسپیرمن و تحلیل واریانس (مانوا).

سطح احتمال برای معناداری فرضیه‌ها برابر با 0/05 در نظر گرفته شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده، از نرم‌افزار SPSS-16 استفاده شد.

(و) یافته‌های پژوهش**1. آمار توصیفی**

کمترین سن پاسخ‌دهندگان، 18 و بیشترین آن 34 سال بود. میانگین سن آزمودنی‌ها 20/37 و انحراف معیار آن 1/88 به دست آمد. فراوانی دانشجویان دختر گروه نمونه بر حسب وضعیت اقتصادی: 21 درصد وضعیت اقتصادی خوب، 68 درصد متوسط و 4 درصد ضعیف به دست آمد. فراوانی دانشجویان بر حسب دانشکده: 26 درصد از دانشکده علوم پایه، 18 درصد فنی، 15 درصد کشاورزی، 30 درصد علوم انسانی و 10 درصد روان‌شناسی و علوم تربیتی بودند. فراوانی دانشجویان بر حسب تأهل: 14 درصد متأهل و 80 درصد مجرد بودند. فراوانی دانشجویان بر حسب نوع پوشش در سطح جامعه: 15 درصد همیشه چادری بودند، 65 درصد همیشه مانتویی و 18 درصد بسته به شرایط هم مانتویی و هم چادری بودند. فراوانی دانشجویان بر حسب نوع پوشش در سطح دانشگاه: 20 درصد همیشه چادر می‌پوشند، 70 درصد همیشه مانتو و 8 درصد بسته به شرایط هم مانتو و هم چادر می‌پوشند. درصد فراوانی دانشجویان بر حسب میزان رضایت از حجاب خود: 2 درصد ناراضی، 6 درصد نه راضی و نه ناراضی و 91 درصد راضی بودند.

2. یافته‌های استنباطی

این پژوهش دارای 17 سؤال بود که با استفاده از روش ضریب همبستگی پیرسون و اسپیرمن و روش تحلیل واریانس چند متغیری مورد بررسی قرار گرفت.

جدول 2: میزان توافق دانشجویان دختر نسبت به تقلیدی بودن پوشش نامناسب برخی از خانمها

3/27	پوشش نامناسب بسیاری از زنها متأثر از هنرمندان است.
3/92	پوشش نامناسب بسیاری از زنها متأثر شبکه‌های ماهواره‌ای است.
3/63	پوشش نامناسب بسیاری از زنها متأثر فرهنگ کلانشهرهاست.
3/76	خیلی از زنها در مورد پوششان تحقیق نکرده و فقط از سایرین تقلید می‌کنند.
3/70	برخی از زنها به دلیل اینکه از جامعه عقب نمانند از پوششهای نامناسب استفاده می‌کنند.

مطابق جدول 2، میانگین نمرات به دست آمده از هر آیتم که می‌تواند در دامنه 1 تا 5 باشد، نشان می‌دهد در تمامی آیتم‌ها، تمامی دانشجویان دختر اتفاق نظر دارند که پوشش نامناسب برخی از خانمها به دلیل تقلید از سایرین است و دیگران در نوع پوشش نامناسب آنها دخیل‌اند.

مطالعه و تبیین وضعیت کنونی، روند تمایلات و گرایشهای رفتاری دانشجویان ... ♦ 101

جدول 3: میزان توافق دانشجویان دختر نسبت به اجباری بودن پوشش مناسب برخی از خانمها

میانگین	
2/57	زنهایی که از پوشش مناسب استفاده می کنند، تنها به دلیل عادت است.
2/89	خیلی از زنانی که محجبه اند تنها به خاطر شرایط جامعه از این حجاب را انتخاب کرده اند.
2/63	زنان محجبه تنها به خاطر تقلید از والدینشان از چادر استفاده کنند.
2/91	افرادی که محجبه اند بدون تحقیق و پژوهش آن را انتخاب کرده اند.
2/20	افرادی که محجبه اند اگر بدانند پوشش نامناسب داشتن چقدر به انسان آزادی می دهد، اگر برایشان ممکن باشد فوراً آن را کنار می گذارند.
2/53	خیلی از زنان محجبه، به آن اعتقاد ندارند.

با توجه به جدول 3، میانگین به دست آمده هر آیتم از 3 کمتر است و دانشجویان دختر اتفاق نظر دارند که چادری بودن خانمها به دلیل اجبار نیست و تقلید و اجبار، عامل چادری بودن خانمها نبوده است. همچنین دانشجویان دختر معتقدند که خانمهای محجبه، پوشش خود را با تحقیق انتخاب کرده و با بررسی به این نتیجه رسیده اند که پوشش مناسب برای آنها چادر است. از نظر دانشجویان، خلأهای عاطفی یکی از عواملی است که زنان دارای پوشش نامناسب از آن استفاده می کنند؛ اما توافق کمتری دارند که پوشش نامناسب افراد، به خاطر یافتن شریک برای زندگی است. دانشجویان معتقدند زنانی که لباس نامناسب می پوشند، به خاطر تفاوت نسلها، اعتراض نسبت به خانواده و وضعیت موجود خانواده است؛ اما این وضعیت به خاطر مخالفت با مذهب، شکستن ساختار کنونی جامعه یا مخالفت با سیاستهای جامعه نیست. دانشجویان دختر معتقدند پوششهای نامناسب هم موضوعی شخصی است و باید تا حدودی به افراد اختیار داده شود تا خود حجاب خود را تعیین کنند.

جدول 4: میزان توافق دانشجویان دختر نسبت به پوشش نامناسب و امنیت روانی

میانگین	
4/22	استفاده از پوشش مناسب را موجب آرامش و مصونیت زن می دانم.
4/00	امنیت روانی یک زن با حجاب کامل می تواند افزایش یابد
3/76	استفاده از پوشش مناسب باعث رشد و پیشرفت بانوان می شود
4/22	می توان با حجاب کامل نیز زندگی خوبی داشت.
3/71	رعایت حجاب برای یک زن از ضروریات است
2/42	بیشتر اذیتها و تعرضات به زنان را ناشی از پوششهای نامناسب می دانم.

102 ♦ فرهنگ در دانشگاه اسلامی 22

همان‌طور که در جدول 4 ملاحظه می‌شود، دانشجویان خانم توافق دارند که حجاب باعث امنیت روانی برای زن می‌شود و می‌توان با حجاب زندگی خوبی داشت. اما کمتر معتقدند که اکثر تعرضاتی که به زنان می‌شود ناشی از پوشش‌های نامناسب است. همچنین اکثر دانشجویان معتقدند میزان پوشش خانمها در سطوح جامعه نامناسب بوده و رضایت‌بخش نیست و معتقدند میزان پوشش خانمها در دانشگاه نیز تا حدودی نامناسب بوده و رضایت‌بخش نیست. همچنین با توجه به میانگین مشاهده شده، دانشجویان دختر معتقدند که نظارت بر نوع پوشش خانمها و وجود قانون مناسب و معقولانه در این زمینه مناسب است.

جدول 5: میزان توافق دانشجویان دختر نسبت به انتخاب پوشش خود با تحقیق و پژوهش

میانگین	
3/37	من فلسفه اصلی پوشش را تا کنون متوجه نشده‌ام.
3/43	در مورد نوع پوشش تحقیق کرده‌ام
3/85	از احکام، مقررات و قوانین مربوط به پوشش اسلامی در جامعه آگاهی دارم.
4/01	من قلباً به اصل پوشش اعتقاد دارم.

همان‌طور که در جدول 5 ملاحظه می‌شود، دانشجویان دختر معتقدند که خودشان نوع پوششان را با تحقیق و پژوهش انتخاب کرده‌اند.

جدول 6: میزان توافق دانشجویان دختر نسبت به چادر

میانگین	
2/45	چادری بودن در زندگی از ضروریات است.
2/79	چادری بودن باعث پیشرفت در زندگی می‌شود.
3/65	چادر را پوشش برتر می‌دانم گرچه نداشته باشم.
3/91	به افرادی که چادری‌اند، احترام می‌گذارم.

همان‌طور که در جدول 6 ملاحظه می‌شود، دانشجویان دختر اعتقاد دارند که چادر پوشش برتر است و باید به افراد چادری احترام گذاشته شود؛ اما توافق کمتری نسبت به ضروری بودن چادر و اینکه چادر باعث پیشرفت در زندگی می‌شود، دارند.

همچنین بین ترم تحصیلی و پوشش مناسب و تحقیق در مورد آن رابطه منفی معناداری وجود دارد؛ بدین معنی که با افزایش ترم تحصیلی افراد در دانشگاه، تحقیق و پژوهش در زمینه انتخاب پوشش کاهش می‌یابد. در واقع؛ در ترمهای اول، بیشتر در مورد پوششان تحقیق کرده و آگاهانه آن را انتخاب می‌کنند.

همان‌طور که از جدول مربوط به دست می‌آید، بین ترم تحصیلی و امنیت روانی ناشی از پوشش، رابطه منفی معنادار وجود دارد؛ یعنی با افزایش ترم تحصیلی، دانشجویان کمتر معتقدند که پوشش باعث افزایش

مطالعه و تبیین وضعیت کنونی، روند تمایلات و گرایشهای رفتاری دانشجویان ... 103

امنیت روانی می‌شود. بین ترم تحصیلی و نظارت به حجاب نیز رابطه منفی معنادار وجود دارد؛ یعنی با افزایش ترم تحصیلی، دانشجویان کمتر معتقدند که باید در این زمینه نظارت وجود داشته باشد. به عبارتی؛ دانشجویان سال اول معتقدند که باید نظارت در مورد حجاب وجود داشته باشد، ولی دانشجویان سالهای بالاتر اعتقادی کمتری نسبت به نظارت در مورد حجاب دارند. همچنین بین ترم تحصیلی و نگرش نسبت به چادر، رابطه منفی معنادار وجود دارد؛ یعنی با افزایش ترم تحصیلی، دانشجویان نگرش منفی تری نسبت به چادر دارند؛ در صورتی که دانشجویان ترمهای اول نگرششان نسبت به چادر مثبت تر است.

بین ترم تحصیلی و سایر مؤلفه‌های نگرش نسبت به حجاب، رابطه معناداری به دست نیامد. همچنین بین سن و مؤلفه‌های نگرش نسبت به حجاب رابطه معناداری وجود ندارد؛ که نشان می‌دهد نوع پوشش و نگرش نسبت به آن و سن در دانشگاه ارتباطی با هم نداشته و سایر عوامل در میزان پوشش دخیل است.

نتایج حاصل از تحلیل واریانس یک راهه در متن مانوا بر روی میانگین و انحراف معیار نگرش نسبت حجاب در سه در وضعیت اقتصادی خوب، متوسط و ضعیف

برای این کار از روش تحلیل واریانس چند متغیری استفاده شد که از لحاظ متغیرهای مورد مقایسه در سطح $p < 0/05$ تفاوت معناداری وجود دارد. بر این اساس، حداقل در یکی از متغیرهای وابسته بین دو گروه، تفاوت معناداری وجود دارد. برای پی بردن به این تفاوت، در مرحله بعد، از طریق تحلیل واریانس یک‌راهه به بررسی متغیرهای پژوهش پرداخته شد.

بین مؤلفه‌های نگرش نسبت به حجاب در سه گروه اقتصادی خوب، متوسط و ضعیف تفاوت معناداری وجود ندارد؛ یعنی دانشجویانی که از وضعیت اقتصادی خوب، متوسط و ضعیف برخوردارند، نسبت به مؤلفه‌های نگرش نسبت به حجاب نسبت به یکدیگر تفاوتی با هم ندارند. اما تنها در مؤلفه پژوهش فردی نسبت به حجاب، تفاوت معنادار شد. با میانگین به دست آمده از این گروه، مشخص می‌شود که در مؤلفه پژوهش شخصی نسبت به انتخاب حجاب، افراد با وضعیت اقتصادی خوب و متوسط به ترتیب با 15/03 و 14/76، نسبت به افراد دارای وضعیت اقتصادی ضعیف (12/94) میانگین بالاتری دارند. در همین راستا مشخص می‌شود که افراد دارای وضعیت اقتصادی ضعیف در مورد پوشش خود کمتر تحقیق کرده‌اند.

برای مشخص شدن تفاوت بین میانگینهای به دست آمده در سه گروه، از روش تحلیل واریانس چند متغیری استفاده شد. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد بین گروه چادری، مانتویی و هم چادری و هم مانتویی، از لحاظ متغیرهای مورد مقایسه در سطح $p < 0/001$ تفاوت معناداری وجود دارد. بر این اساس، حداقل در یکی از متغیرهای وابسته بین سه گروه، تفاوت معناداری وجود دارد. برای پی بردن به این تفاوت، در مرحله بعد از طریق تحلیل واریانس یک‌راهه در متن مانوا به بررسی متغیرهای پژوهش پرداخته شد. آنچه از جدول مربوط استفاده می‌شود، بین سه گروه مورد مقایسه در تمامی مؤلفه‌های نگرش نسبت به

حجاب، تفاوت معناداری وجود دارد؛ اما در مؤلفه پوشش نامناسب و اعتراض، تفاوت معناداری یافت نشد. از آنجا که F به دست آمده میزان تفاوت را در زیرگروهها معرفی نمی‌کند، از آزمون شفه برای بررسی تفاوت میان زیرگروههای چادری، مانتویی و بسته به شرایط در جامعه استفاده شد. نتیجه اینکه، افراد چادری اعتقاد بیشتری دارند که زنانی که دارای پوشش نامناسبی‌اند، به دلیل تقلید به این کار روی آورده‌اند. در دو گروه چادری‌ها و افرادی که بسته به شرایط چادر و مانتو می‌پوشند و گروه مانتویی‌ها و بسته به شرایط، تفاوت معنادار نشد.

در مؤلفه «پوشش مناسب به دلیل اجبار»، افراد مانتویی اعتقاد بیشتری دارند که افرادی که از چادر استفاده می‌کنند به دلیل اجبار و عادت است تا گروه مانتویی. همچنین افرادی که بسته به موقعیت چادر می‌پوشند، معتقدند افراد چادری به دلیل اجبار و عادت چادر می‌پوشند. اما در گروه سوم، تفاوت معنادار نشد.

در مورد «پوشش مناسب و تحقیق»، نتایج نشان داد که افراد مانتویی نسبت به چادری‌ها و بسته به شرایطی‌ها، معتقدند افراد محجبه پوشش مناسب را کمتر با تحقیق به دست آورده‌اند. همچنین زنان بسته به شرایط معتقدند زنان محجبه پوشش را کمتر با تحقیق به دست آورده‌اند.

در مؤلفه «خلأ عاطفی» بین افراد چادری و مانتویی تفاوت معنادار شد؛ به نحوی که افراد چادری معتقدند افرادی که پوشش نامناسب دارند، خلأ عاطفی بیشتر باعث شده به این سمت بروند. همچنین زنان همیشه مانتویی معتقدند خلأ عاطفی نقش کمتری در انتخاب نوع پوشش زنان بی‌حجاب ندارد؛ در صورتی که زنان بسته به شرایط چنین اعتقادی را دارند.

در مؤلفه «پوشش نامناسب و اعتراض»، بین سه گروه تفاوت معناداری مشاهده نشد؛ یعنی هیچ یک از گروهها اعتقاد بیشتری ندارند که پوشش نامناسب به خاطر اعتراض به ساختار جامعه و مذهب است.

در مورد «پوشش نامناسب و شخصی بودن»، بین سه گروه، تفاوت معناداری مشاهده شد؛ به نحوی که ابتدا افراد مانتویی، افراد بسته به شرایط و در نهایت افراد چادری، به ترتیب اعتقاد بیشتری دارند که پوشش نامناسب یک امر شخصی است و به این افراد نباید زیاد سخت گرفت. افراد چادری اعتقاد کمتری دارند که پوشش نامناسب شخصی است.

در مورد مؤلفه «امنیت روانی داشتن پوشش مناسب»، نتایج نشان داد که افراد چادری اعتقاد بیشتری دارند که پوشش مناسب باعث امنیت روانی می‌شود، ولی افراد مانتویی اعتقاد کمتری دارند. همچنین افراد بسته به شرایط نیز اعتقادشان در این زمینه نسبت به افراد مانتویی بیشتر است. ولی بین دو گروه چادری و بسته به شرایط، تفاوت معنادار نشد.

مطالعه و تبیین وضعیت کنونی، روند تمایلات و گرایشهای رفتاری دانشجویان ... ♦ 105

در مورد مؤلفه «وضعیت پوشش»، تنها بین گروه چادری و مانتویی، تفاوت معنادار است. نتایج نشان می‌دهد که افراد چادری نسبت به مانتویی بیشتر معتقدند که وضعیت پوشش جامعه نامناسب است. اما افراد مانتویی اعتقاد کمتری دارند که وضعیت پوشش جامعه در وضعیت رضایت‌بخش نیست؛ بین سایر گروهها نیز تفاوت معنادار نشد. در مورد «وضعیت پوشش در میان دانشگاهیان»، نتایج نشان داد که افراد مانتویی نسبت به دو گروه دیگر کمتر معتقدند که وضعیت حجاب در سطح دانشگاه نامناسب است. اما بین گروه چادری و افرادی که بسته به شرایط هم مانتو و هم چادر می‌پوشند، در مورد وضعیت حجاب جامعه، تفاوت معنادار نشد.

در مورد مؤلفه «وجود نظارت در زمینه پوشش»، نتایج نشان داد که افراد چادری و افرادی که بسته به شرایط هم چادری و هم مانتویی‌اند، اعتقاد دارند که باید در زمینه حجاب، نظارت وجود داشته باشد؛ ولی افراد مانتویی اعتقاد کمتری به وجود نظارت در زمینه حجاب دارند. افراد چادری حتی نسبت به آنهایی که بسته به شرایط پوشش متفاوتی دارند، خیلی بیشتر معتقد به نظارت در مورد حجاب‌اند.

در مورد مؤلفه «پژوهش شخصی درباره حجاب»، نتایج نشان داد که افراد چادری نسبت به مانتویی و بسته به شرایط، خودشان بیان کرده‌اند که پوششان را با تحقیق به دست آورده‌اند. نتایج نشان داد که افراد چادری نسبت به مانتویی، نگرش مثبت‌تری نسبت به چادر دارند. همچنین نگرش افرادی که بسته به شرایط چادر و مانتو می‌پوشند، نگرش بهتری نسبت به چادر دارند. در کل، به ترتیب بین این سه گروه تفاوت معناداری یافت شد.

ز) نتیجه‌گیری

اذعان دانشجویان به نامناسب بودن وضعیت پوشش در جامعه و دانشگاه، با اعتقاد به ناآگاهی به ارزشهای دینی و اتفاق نظرشان به تقلیدی بودن مسئله حجاب، همراه با نگاه مثبت به چادر و اینکه نحوه پوشش به خاطر مخالفت با مذهب یا شکستن ساختار کنونی جامعه نیست، علاقه‌مندان جامعه اسلامی را امیدوار به اصلاح وضعیت پوشش جامعه با تلاش فرهنگی می‌کند. اما اینکه پوشش نامناسب، اعتراضی نسبت به خانواده و وضعیت موجود خانواده است، نشانگر وضعیت نامطلوب خانواده‌ها در جایگاه تربیتی بوده و نیازمندی آنها به آموزش مهارتهای زندگی را می‌رساند.

با توجه به اینکه دانشجویان در ترمهای پایین، در مورد پوششان بیشتر تحقیق کرده و آگاهانه آن را انتخاب می‌کنند، مسئولیت متولیان فرهنگی دانشگاهها را نسبت به برنامه‌ریزی ویژه برای آنها دوچندان می‌کند. همچنین از این جهت که هر چه ترم تحصیلی افزایش می‌یابد، کمتر معتقدند که باید در این زمینه نظارت وجود داشته باشد، نشانگر تثبیت وضعیت ارتجاعی در مورد پوشش است. اینکه با افزایش ترم تحصیلی، دانشجویان نگرش منفی‌تری نسبت به چادر پیدا می‌کنند، حکایت از تأثیرگذاری منفی محیطهای

علمی از این نظر و نفوذ اندیشه‌های فمینیستی و اومانیستی دارد. همچنین از این جهت که پوشش را امر شخصی می‌دانند نه دینی، جامعه جوان به تبیین و اقناع بیشتری در امر پوشش نیاز دارد. با این حال، نامناسب دیدن وضعیت پوشش جامعه، که حکایت از ارزشمندی و ترجیح ظاهر بر باطن و زیبایی‌های شخصیتی دارد، در عین رضایتمندی از حجاب خود، بر نسیب دیدن پوششها دلالت می‌کند که به تعمق بیشتری نیاز دارد.

مقایسه نتایج تحقیقات قبلی با پژوهش فعلی، نشان از همسانی و همسویی یافته‌ها در اکثر موارد از جمله: شخصی بودن پوشش و لزوم آزادی در انتخاب آن، مصونیت بخشی پوشش مناسب و وجود ذهنیت منفی به چادر دارد؛ به جز در تفاوت دیدگاهها به رفتار خانواده‌ها که در پژوهشهای قبلی مثبت بوده، اما در تحقیق فعلی، پوشش نامناسب، اعتراضی نسبت به وضعیت موجود خانواده‌ها دانسته شده است. همچنین پژوهشهای قبلی از خنثی بودن محیط دانشگاه در تأثیر گذاری حکایت داشته‌اند، اما این تحقیق نشان از افزایش روند تأثیر منفی دارد.

پیشنهادها

با توجه به نتایج تحقیق، برای بهبود وضع پوشش در جامعه، پیشنهاد می‌شود:

1. آموزش مهارت‌های تربیتی به خانواده‌ها، به خصوص به زوجهای جوان، در باره نحوه ارتباط با فرزندان و ایجاد محیطی آرام و صمیمی جدی گرفته شود. البته دروس دانش خانواده و جمعیت، فرصت مغتنمی برای گروههای معارف اسلامی در وضعیت فعلی است.
 2. تلاش به روز و مضاعف مدیران فرهنگی دانشگاهها در کار فرهنگی برای دانشجویان، به ویژه ترمهای اول و دوم، با برنامه‌ریزی برای جدیدالورودها و ارتباط‌گیری مناسب برای تداوم خدمات دینی و فرهنگی مناسب، از قبیل انتقال واقعیت‌های جامعه غربی با محتوای کتابهایی مانند «دختران به عفاف روی می‌آورند» (وندی شلیت، 1388)، «تأثیر فمینیسم بر دختران در غرب» آریل لوی و تیم کسر، 1388 را ضروری می‌نماید.
 3. ضرورت تبیین مباحث دینی، منطبق با علایق و سلیق دانشجویان و اقناع جوانان نسبت به احکام و فلسفه و دلایل منطقی آن. (واقعیت این است که در بیشتر موارد، اقناعی صورت نمی‌گیرد).
 4. با توجه به روند نامطلوب وضعیت پوشش، در کنار فعالیتهای فکری و فرهنگی، که اولویت داشته و مبناست، ضرورت وضع و اعمال مقتدرانه قوانین و مقررات عملی، به روز و شفاف، به شدت احساس می‌شود؛ و گرنه سنگ روی سنگ بنا نخواهد شد.
 5. توجه و گرایش افراطی به ظاهر، بیشتر ناشی از برخی عقده‌ها یا عدم اقناع و پرورش حس زیبایی‌خواهی دوره نوجوانی است؛ و گرنه ما یکی از بهترین سرمایه‌های نسلی را داشته‌ایم. توجه به جوانان با رویکرد روان‌شناختی، به عنوان برنامه کوتاه‌مدت می‌تواند مؤثر واقع شود.
 6. برپایی نمایشگاههایی برای تبیین اهداف خطرناک جریان‌ات خزنده فمینیستی و ضد فرهنگی در دانشگاهها و اهداف غیر اخلاقی برخی از ماهواره‌ها.
- احیا و تقویت انگیزه زندگی هدفمند و متعالی و تبیین مقام واقعی زن و جایگاه مادر در زندگی.



منابع

- آریل لوی و تیم کسر، 1388، «تأثیر فمینیسم بر دختران در غرب»، ترجمه و تلخیص راحله سادات میراسلامی، فاطمه سادات رضوی و پریسا پورعلمداری، معارف، قم.
- زاهد، سید سعید و مهدی کاوه، 1391، «گفتن‌های پوشش ملی در ایران»، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، شماره 4، تهران.
- علیمردی، مهناز و محمد مهدی علیمردی، 1389، «حجاب و پوشش در ادیان زرتشت، یهود و مسیحیت»، معرفت ادیان، شماره 3، قم.
- کاظمی، اصغر، 1393، «کارکردگرایی»، پژوهش (بزرگترین بانک مقالات علوم انسانی و اسلامی)، قابل بازیابی در: <http://pajoohe.ir>
- کاوه، محمد، 1391، «آسیب شناسی بیماری‌های اجتماعی»، جامعه شناسان تهران.
- محبی، فاطمه، 1380، «آسیب شناسی اجتماعی مسائل زنان»، مطالعات راهبردی زنان، شماره 12
- وندی شلیت و نانسی لی دموس، 1388، «دختران به عفاف روی می‌آورند»، ترجمه و تلخیص سمانه مدنی و پریسا پور علمدار، معارف، قم.
- یابرتسون، یان، 1377، «درآمدی بر جامعه (با تأکید بر نظریه کارکردگرایی: ستیز، کنش متقابل نمادی)»، ترجمه حسین بهروان، نشر: آستان قدس رضوی.
- قیصری، موسی (1393). «ملزومات ترویج فرهنگ حجاب و حل مسائل مربوط به آن». قابل بازیابی در: <http://www.irdc.ir/fa/content/50745/default.aspx>
- محبوبی منش، حسین (1386). «تحلیل اجتماعی مسئله حجاب». مطالعات راهبردی زنان، ش: 38.
- مدقق، عبدالظاهر (1370). پیامدهای گسست میان نسلی و راهکارهای مقابله با آن. قم: مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما.
- Mahboobi Manesh, Hossein (2007). "Social Analysis of Hijab". *Strategic Studies of Women*, No 38.
- Modagheh, Abdul Zahir (1991). *Consequences of Generation Gap and Strategies against it*. Qom: Islamic Researches Center of the Broadcast.
- Qeisari, Moses (2014). "Necessities of Promulgation of Hijab and its Affairs Culture".
- Yabrtsvn, Ian, 1999, *an introductory to the society, with an emphasis on functionalism*, Translated by Hussein Behravan, Astan Quds Razavi, Mashhad
- mohebbi, Fatima, 2001, *Social pathology women*, Women Strategic Studies, No.12

- Zahid, Saeed and Mehdi Kaveh,2012. **National coverage discourse in Iran**, Social Studies and Research in Iran.no,4,tehran.
- Kaveh, Mohammad,2012, **social disease Pathology**, sociologists, tehran.
- Kazemi, A, 2014, **Functionalism**,pazhouhe,: <http://pajoohe.ir>
- Alimardi, M. and M. Alimardi,2010, **Veil of religion, Zoroastrianism, Judaism and Christianity**, marefat adyan, no,3, Qom.
- Ariel Levy and teim kasr, 2010 ,**The impact of feminism on girls in the West**, Translation and summarization, Sadat Myreslamy R., Razavi, F, Pvralamdary, P,maaref , Qom
- Wendy Shlyt and Nancy Lee demos, 2010 , **Girls are turning to Chastity**,Translation and summarization,madaney.s, Pvralamdary,P,maaref , Qom.

